

سازمان‌های غیر دولتی در روند جهانی شدن



صندوق بین‌المللی پول^۱ مفهوم جهانی شدن را با این کلمات بیان کرده است: "وابستگی اقتصادی روز افزون کشورها در سرتاسر جهان به علت افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات بین کشورها، گردش جهانی سرمایه و همزمان با آنها اشاعه گسترده و سریع تر فن‌آوری."^۲ امروز مفهوم جهانی شدن با جهانی شدن بازار مترادف شده است. مدافعان بازار آزاد، با استناد به این نظریه که بازار به خودی خود قابلیت تنظیمی دارد، جهانی شدن را برداشتن مرز بین کشورها برای گردش آزاد سرمایه، آزادی سرمایه‌گذاری و گردش آزاد کالا و خدمات می‌دانند. آنان برای برقرار کردن این سه آزادی در ورای مرزهای ملی هیچ شکلی از حاکمیت جهانی را به عنوان داور و ناظر بر این طرح روا نمی‌دانند. در حال حاضر این دیدگاه، طرز فکر قالب بر مذاکراتی است که در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،^۳ صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی^۴ صورت می‌گیرد.

اقا جهانی شدن بازار تنها وسیله ای برای رسیدن به این هدف است و نه هدف از جهانی شدن. نقشی که امروز سازمان‌های غیر دولتی به عنوان ناظرهای "ناخوانده" در روند جهانی شدن ایفا می‌کنند، بسیج افکار عمومی و در نتیجه ایجاد فشار بر دولت‌ها است تا گسترش بازار آزاد مغایر منافع عمومی نباشد. گسترش همکاری سازمان‌های غیر دولتی کشورهای تازه صنعتی شده با سازمان‌های مشابه در کشورهای دیگر، راه حلی است برای متوازن کردن قدرت تصمیم‌گیری

کشورهای غنی و کشورهای فقیر در صحنه اقتصاد جهانی. در سازمان های اقتصادی بین‌المللی، قدرت رأی کشورهای صنعتی متوازن با قدرت رأی کشورهای تازه صنعتی شده و کشورهای فقیر نیست. ۲۹ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جمعاً کمتر از ۲۰٪ آراء را در سازمان ملل دارا هستند ولی در سازمان تجارت جهانی ۲۵٪ آراء را به خود اختصاص می‌دهند و در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ۶۵٪ آراء به این کشورها تعلق دارد.^۵ معمولاً قبل از آنکه موافقت‌نامه‌های چند جانبه در صحن سازمان تجارت جهانی به مذاکره گذاشته شود، در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بررسی و تأیید می‌شود. در سازمان تجارت جهانی، کشورهای تازه صنعتی شده - که اکثراً مقروض هستند یا متکی به کمک کشورهای پیشرفته‌اند یا وابسته به وام صندوق جهانی پول و بانک جهانی - به راحتی زیر فشار کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قرار می‌گیرند. این نابرابری در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، منجر به امضای موافقت‌نامه‌هایی می‌شود که برخلاف منافع کشورهای در حال توسعه هستند. نظارت سازمان‌های غیر دولتی بر پیامد مذاکرات در کمیسیون‌های مختلف سازمان‌های بین‌المللی، باعث می‌شود تا روال تصمیم‌گیری در این سازمان‌ها شفافیت بیشتری پیدا کنند و مسائل اقتصاد جهانی در عرصه عمومی به بحث کشیده شوند. در مارس ۱۹۹۹، در گردهمایی که سازمان تجارت جهانی برپا کرده بود، درخواست سازمان‌های غیردولتی از کرسی سخنرانی این چنین بیان شد: "... به حق می‌باید به گروه‌ها و مؤسسات جامعه مدنی این فرصت را داد تا نظرات خود را ابراز کنند و بر پیامد سیاست‌ها و تصمیمات (سازمان جهانی تجارت) تأثیر بگذارند. نتیجه‌ها و گزینش‌هایی که در سازمان تجارت جهانی و نهادهای وابسته به آن بحث می‌شوند، باید در تمامی کشورهای عضو این سازمان به اطلاع عامه مردم برسند و در معرض بحث و بررسی عمومی قرار گیرند. کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت باید نظرات مؤسسات جامعه مدنی (شامل اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های کشاورزان، گروه‌هایی که در رابطه با مصرف‌کننده، محیط زیست، بهداشت و مسائل اجتماعی فعالیت دارند، سازمان‌های تخصصی، اجتماعات بازرگانی در برگیرنده شرکت‌های کوچک و رسانه‌های عمومی) را به طور جدی جویا باشند."^۶

چگونه مذاکرات "موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری"^۷ متوقف شد

مذاکرات موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری سال ۱۹۹۵ در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پشت درهای بسته دنبال می‌شد. مقرر بود که پس از توافق کشورهای عضو این سازمان، موافقت‌نامه به تصویب سازمان تجارت جهانی نیز برسد. هدف این موافقت‌نامه گسترش برنامه

مقررات زدایی سازمان تجارت جهانی به حوزه‌های دیگر اقتصاد جهانی همچون شرایط سرمایه‌گذاری در صنعت و خدمات، معاملات ارز و دیگر ابزارهای مالی مانند سهام و اوراق قرضه، مالکیت ملکی، مالکیت منابع طبیعی و... بود. ماهیت این موافقت‌نامه را مدیر کل سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۶ این گونه اعلام کرده بود: "ما اساس‌نامه یک اقتصاد جهانی متحد را می‌نویسیم." اما این اساسنامه به گونه‌ای تنظیم شده بود که در آن شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی صاحب حق بودند و دولت‌ها موظف.

در بهار ۱۹۹۷، زمانی که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا قصد داشت از "شیوه مسیر سریع"^۸ در مقابل کنگره آن کشور جهت مذاکرات برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در شمال قاره آمریکا استفاده کند، با اعتراض افکار عمومی روبرو شد و سیاست‌های تجارت خارجی آن دولت زیر سؤال رفت و در آن میان محتوای موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری. سازمان‌های غیردولتی خواهان توضیحات در مورد این موافقت‌نامه شدند. ابتدا، با وجود اینکه تنظیم موافقت‌نامه تقریباً به اتمام رسیده بود، مقامات دولتی سندیت این موافقت‌نامه را انکار کردند. به هر ترتیب، سازمان آمریکایی دفاع از مصرف‌کننده (پابلیک سیتیزن) نسخه‌ای از این موافقت‌نامه را به دست آورد و جهت بسیج افکار عمومی متن آن را به واسطه اینترنت در اختیار عموم گذاشت و همچنین در اینترنت محیطی برای گفتگو و نقد این موافقت‌نامه به وجود آورد.^۹



در اینجا به ذکر چند مورد از انتقاداتی که به موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری شده است اکتفا می‌کنیم. این موافقت‌نامه در نظر داشت محدودیت‌های قانونی در مورد خرید املاک، منابع طبیعی و شرکت‌های خدماتی چون آب، برق و مخابرات را بردارد و بدون هیچ محدودیتی در نحوه سرمایه‌گذاری، به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی حقوق یکسان اعطاء کند. این‌گونه مقررات زدایی، باعث می‌شود که دولت‌ها نتوانند با اعمال سیاست سرمایه‌گذاری‌های ترجیحی، برنامه‌های توسعه خود را در سطح ملی و منطقه‌ای دنبال کنند. با این موافقت‌نامه، دولت‌ها دیگر نمی‌توانستند در جهت رشد اقتصادی خود، از سرمایه‌گذار خارجی تعهداتی مانند همکاری با شرکت‌های محلی، استفاده از نیروی کار محلی و آموزش کادر محلی بگیرند. مصونیت‌هایی که در این موافقت‌نامه برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شده بود منجر به تضعیف حاکمیت دولت‌ها می‌شد. مطابق این موافقت‌نامه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانستند از دولت‌ها در دادگاه‌های ویژه موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری، ادعای خسارت کنند و دولت‌ها موظف به قبول شرایط این دادگاه‌های ویژه بودند. در صورت بروز اعتصابات و بحران‌های اجتماعی، سرمایه‌گذاران می‌توانستند از دولت‌ها ادعای خسارت کنند. در مواردی که دولت لازم می‌دید مقرراتی برای حفاظت از محیط زیست یا بهداشت عمومی وضع کند، با ظن اینکه این مقررات منجر به کاهش بازدهی سرمایه می‌شود، دولت موظف به پرداخت خسارتی می‌شد که دادگاه ویژه تعیین می‌کرد. در انتقاد از این موافقت‌نامه، در آوریل ۱۹۹۸، رئیس کمیسیون اقتصاد خارجی مجلس اروپا اعلام کرد: «این موافقت‌نامه مترادف است با خصوصی‌سازی قوه مقننه و تقدم حقوق بازرگانی بر حقوق عمومی».^{۱۰۴}

موج مخالفت سازمان‌های غیردولتی با موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری به راه افتاد. مذاکرات این موافقت‌نامه ابتدا موقتاً معلق و سپس در اکتبر ۱۹۹۸ متوقف شد. با انتشار متن موافقت‌نامه در سطح وسیع و استفاده از شبکه اینترنت برای نقد و تبادل نظر، سازمان‌های غیردولتی موفق شدند مشکلات این موافقت‌نامه را آشکار سازند و توجه نمایندگان مردم را به ضعف‌های این موافقت‌نامه جلب کنند. در انجام چنین کاری، نه مطبوعات موفق بودند (به دلیل بی‌توجهی و وابستگی رسانه‌های تخصصی به محافل تجاری)؛ و نه نظام گردش اطلاعات در دستگاه‌های دولتی و پارلمانی (یکی به دلیل تعدد سلسله مراتب در رسیدگی به مسائل است و دیگری کاستی‌های نظارت بر عملکرد گروه‌های تخصصی که در درون دولت انجام وظیفه می‌کنند). در دسامبر ۱۹۹۷، رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس فرانسه در مجلس آن کشور در مورد موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری اعلام کرد: «ما نمی‌دانیم کی به اسم چه کسی درباره چی مذاکره می‌کند.»^{۱۰۵} نقشی که سازمان‌های غیردولتی ایفا کردند، آگاه کردن افکار عمومی و نمایندگان مردم از «کی در کجا به

اسم چه کسی چه می‌کند" بود. این نقش را بارها سازمان‌های غیردولتی بازی کرده‌اند. به طور مثال سازمان پزشکان بدون مرز - که جایزه صلح نوبل ۱۹۹۹ را دریافت کرد^{۱۱} - "در جریان کشتار در بوسنی و قوم کشی در روآندا، سریع تر از هر نهاد دیگری، مسئولین سیاسی را که از کمک‌های بشر دوستانه برای توجیه "سیاست به حال خود رها کردن" استفاده ابزاری می‌بردند، محکوم کرد."^{۱۲}

مذاکرات موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری در اکتبر ۱۹۹۸ متوقف شد. وزیر وقت اقتصاد، امور مالی و صنعت فرانسه اعلام کرد: "ما بعد از موافقت‌نامه چند جانبه بر سرمایه‌گذاری مانند قبل از آن مذاکره نخواهیم کرد. از لحاظی، شکست موافقت‌نامه چندجانبه بر سرمایه‌گذاری یک پیروزی برای جهانی شدن است."^{۱۳} در این گفته یک ارزیابی و یک خبر نهفته است. بسیج گسترده سازمان‌های غیردولتی در کشورهای مختلف برای دفاع از منافع عمومی و نحوه استفاده از شبکه اینترنت به عنوان یک وسیله اطلاع رسانی قابل دسترس در سطح جهانی، یک پیروزی برای جهانی شدن است. و خبر آنکه، مذاکرات برای تدوین قواعد سرمایه‌گذاری بین‌المللی دنبال می‌شوند. به احتمال زیاد این مذاکرات در سازمان تجارت جهانی از سر گرفته خواهند شد. قرار شد نحوه پیگیری این مذاکرات در سومین اجلاس وزیران کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی که در شهر سیاتل (ایالات متحده آمریکا - ۳۰ نوامبر تا ۳ دسامبر ۱۹۹۹) برگزار می‌شد، تعیین شود.



مسائل اجتماعی و زیست محیطی در روند جهانی شدن

در دستور کار آخرین دور مذاکرات برای تأسیس سازمان تجارت جهانی (۱۹۹۴ در مراکش)، پیشنهادی مبنی بر وارد کردن حقوق اساسی کارگران در موافقت‌نامه مطرح گشت. این پیشنهاد موکول به مذاکرات بعدی که پس از تشکیل سازمان صورت می‌گرفت شد. در اولین اجلاس وزیران کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت (دسامبر ۱۹۹۶ در سنگاپور) تصمیم گرفته شد که حقوق کارگران مربوط به سازمان جهانی کار است و به این اکتفا شد که یادآوری شود که دبیرخانه دو سازمان با هم تبادل نظر کنند.

ماده‌ای که برای رعایت حقوق کارگران در نظر گرفته شده بود، در برگیرنده رهنمودهای حداقل بود (لغو کار اجباری، حداقل سن برای کار، منع تبعیض در کار، آزادی تشکیل اتحادیه). این ماده با مخالفت کشورهای تازه صنعتی شده روبرو شد. مخالفان بر این باور بودند که کشورهای توسعه یافته از این ماده برخلاف منافع کشورهای تازه صنعتی شده استفاده خواهند کرد و بهانه‌ای خواهد بود برای حمایت از تولیدات داخلی خودشان و تحریم تولیدات کشورهای تازه صنعتی شده.

در نهایت در سال ۱۹۹۸، حقوق اساسی کارگران وارد قوانین صندوق بین‌المللی پول شد. دو برداشت متفاوت از مسئله‌ای واحد سازمان‌های غیردولتی "شمال" و "جنوب" را در مقابل هم قرار داده است. استدلال سازمان‌های جنوب این است که در اکثر کشورهای تازه صنعتی شده، حق کار کردن بر شرایط کار اولویت دارد. گفتار سازمان‌های شمال بر این اصل استوار است که تحکیم حقوق کارگران به عنوان جزئی از حقوق بشر، در جهت شکل دادن به یک حکومت جهانی است. در مورد حفاظت از محیط زیست نیز اختلاف نظرهای مشابهی وجود دارد. از دیدگاه کلان، کشورهای شمال به دلیل بالا بودن مصرفشان، در رأس آلوده کنندگان محیط زیست قرار می‌گیرند. وارد کردن معیارهای حفاظت از محیط زیست در موافقت‌نامه‌های اقتصادی بین‌المللی منجر به این می‌شود که به مسائل محیط زیست از دیدگاه خرد نگاه شود و در نتیجه واحدهای تولید در کشورهای جنوب در مقایسه واحدهای مشابه در کشورهای شمال مورد ارزیابی قرار گیرند.

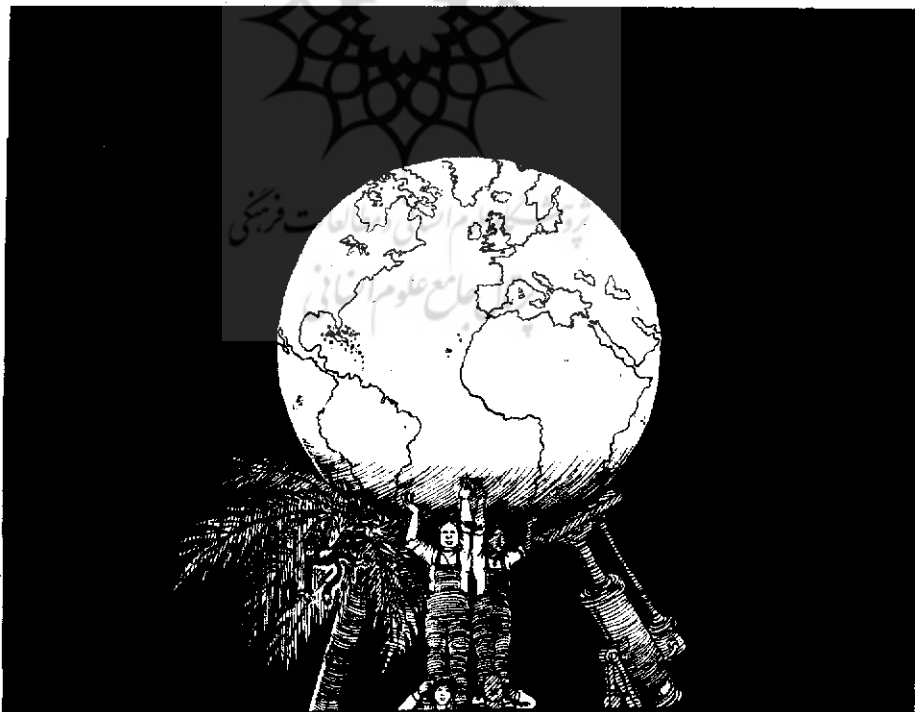
در یک زمینه اتفاق نظر بین سازمان‌های شمال و جنوب در حال شکل گرفتن است و آن اینکه واگذاری انحصار تعیین معیار برای شرایط کار و حفاظت محیط زیست به سازمان جهانی تجارت یا صندوق بین‌المللی پول راه حل مناسبی نیست.

در کنفرانس جهانی اقتصاد در سال ۱۹۹۸، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل در مورد مرتبط کردن تجارت با حقوق بشر اعلام کرده بود: "موضع سازمان این است که موضوع بر سر انتخاب میان تجارت یا حقوق بشر نیست و نیز بحث بر سر این نیست که اول تجارت و سپس شاید حقوق

بشر برای فردا. ما در دوره حقوق بشر به سر می‌بریم. اگر با یک دولت وارد تجارت می‌شوید، باید همزمان دستورالعمل حقوق بشر را دنبال کنید. حال اگر به هر دلیلی تصمیم هم می‌گیرید با یک دولت وارد تجارت نشوید، همچنان باید دستورالعمل حقوق بشر را دنبال کنید زیرا این از مسئولیت‌های همگانی است.^{۱۵}

یک نظریه این است که سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان جهانی کار را باید همپای صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی قرار داد تا بتوان جوابگوی معضلات جهانی چون حقوق اساسی کارگران بود. ولی متأسفانه تاکنون سازمان جهانی کار موفقیت‌های چشمگیری نداشته است. این سازمان در سال ۱۹۱۹ تشکیل شده است و در حال حاضر موافقت‌نامه این سازمان ۱۷۶ اصل را شامل می‌شود. تمامی این اصول به امضاء هیچ یک از کشورهای عضو نرسیده است و در مورد اجرای اصول موافقت شده نیز هیچ تضمینی نیست. در این زمینه، کشورهای پیشرفته خوشنام‌تر از دیگر کشورها نیستند. تا نیمه سال ۱۹۹۵، اسپانیا با پذیرش ۱۲۵ اصل در رده اول کشورها قرار داشت و کشوری چون ایالات متحده آمریکا تنها ۱۲ اصل را پذیرفته بود.^{۱۶}

سوالی که امروز مطرح است به این گونه بیان می‌شود: آیا یک سازمان بین‌المللی، بدون در اختیار داشتن منابع مالی وسیع می‌تواند مشکلات اجتماعی و زیست محیطی را که در رابطه تنگاتنگ با تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی است در سطح جهانی حل کند؟ آیا این سازمان بدون منابع



مالی غیردولتی می تواند همپایه صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و شرکت‌های عظیم چند ملیتی در روند جهانی شدن تأثیر بگذارد؟ آیا این سازمان بدون مداخله مالی در چرخه تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری می‌تواند اهداف اجتماعی و زیست محیطی را دنبال کند؟

پیشنهاد وضع مالیات‌های جهانی

بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷ که از آسیای جنوب شرقی شروع شد و به برزیل و روسیه سرایت کرد، نشان داد که کمبود مقررات برای گردش سرمایه‌های بین‌المللی می‌تواند یک رکود اقتصادی را تبدیل به یک بحران اقتصادی گسترده کند.

"مقررات زدایی بازارهای مالی و آزاد سازی گردش سرمایه در جهان، رشد ارتباطات بین بازارهای مالی و افزایش سرعت معاملات در پی فن آوری یازانه‌ها، گسترش مؤسسات مالی دلال، باعث شده است حجم عظیمی از سرمایه در جهان به صورت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت و در جست و جوی بازدهی سریع و کوتاه مدت مابین کشورها به جریان درآید. امروزه گردش سرمایه در بازارهای جهانی به دو هزار میلیارد دلار در روز می‌رسد که تنها یک تا ۲٪ آن به طریق تعویض ارزی مربوط به تجارت کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم می‌شود. باقیمانده این سرمایه در گردش (بیش از ۹۸٪ آن) برای سفته بازی یا سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت است که با تغییر استنباط "سفته باز" یا "سرمایه‌گذار" از وضعیت بازار سریعاً تغییر مکان می‌دهند. [...] آنچه در آسیای جنوب شرقی اتفاق افتاد منحصر به فرد نبود و قبلاً در سال‌های ۱۹۸۰ در کشورهای آمریکای لاتین، در سال ۱۹۹۴ در مکزیک و در اوایل ۱۹۹۰ در سوئد و نروژ پیش آمده بود. کشورهای مزبور با یک کاهش ناگهانی ارزش پول خود روبرو شدند که دلیل آن حرکات‌های سفته بازی یا خروج وسیع دارایی‌ها بود."^{۱۷}

در سال ۱۹۷۸، جیمز توبین برنده جایزه اقتصاد نوبل، پیشنهاد کرد مالیاتی بر معاملات نقلی در بازار ارز وضع شود. نظر جیمز توبین در آن زمان ایجاد ثبات در نظام پولی بین‌المللی بود. امروز هدف از وضع چنین مالیاتی ابعاد بزرگ‌تری پیدا کرده است. با وجود اینکه "مالیات توبین" تنها به بازار مبادلات ارز مربوط می‌شود، سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری بلند مدت راغب خواهد ساخت و بی‌شک حجم سفته بازی را که امروزه معضلی برای اقتصاد جهانی است، بدون آنکه مانع گردش آزاد سرمایه شود کاهش خواهد داد. برآورد شده است که در وضعیت کنونی بازار، مالیات یک پیر هزار بر روی هر یک از معاملات ارزی، مبلغی بالغ بر ۲۲۸ میلیارد دلار در سال را تشکیل می‌دهد.^{۱۸}

با وجود اینکه جهانی شدن بازار در دستور کار است، فاصله بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته بیشتر می‌شود و در هر یک از این کشورها بر اختلاف سطح زندگی افراد دارا و تنگدست افزوده می‌شود. در سال ۱۹۶۰، درآمد ۲۰٪ جمعیت مرفه جهان برابر با ۳۰ برابر درآمد ۲۰٪ جمعیت فقیر جهان بوده است. در سال ۱۹۹۵، این نسبت به ۸۲ رسیده است.^{۱۱} درآمد مالیات "توبین" بی‌شک برای کاستن این نابرابری‌ها مورد استفاده خواهد داشت.

شیوه‌های دیگری نیز برای اخذ مالیات‌های جهانی پیشنهاد شده است. به‌عنوان مثال شرکتی مانند "نایک" (NIKE) تولید کننده انواع لوازم و پوشاک ورزشی فعالیت‌هایی که هزینه بالای نیروی انسانی دارند را در آمریکای شمالی متمرکز کرده است تا سود کمی برای مالیات اعلام کند و دیگر فعالیت‌ها را به کشورهایی که مالیات کمی اخذ می‌کنند، مانند مالزی، منتقل کرده است. به این ترتیب این شرکت می‌تواند یک برنامه‌ریزی کلی برای پرداخت مالیات در کشورهای مختلف داشته باشد و کنترل حساب‌های مالی برای دولت‌های ذی‌نفع به دلیل دشواری و هزینه بالای آن امکان پذیر نیست. در این رابطه پیشنهاداتی برای مالیات بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و ترتیباتی برای جلوگیری از تحریف، در قیمت انتقال در حسابرسی شرکت‌های چند ملیتی شده است.^{۱۲}

سازمان‌های غیردولتی خواستار وضع مالیات‌های جهانی هستند و نهادهای دولتی تا به حال نظر مساعدی نشان نداده‌اند. در میان کشورهای اروپایی، تنها دولت فنلاند است که "مالیات توبین" را در دستور کار خود قرار داده است و چون در حال حاضر ریاست اتحادیه اروپا را به عهده دارد احتمال می‌رود بحث وضع این مالیات در اتحادیه اروپا مطرح شود.^{۱۳}

اما چه نهادی این مالیات‌ها را وصول و نحوه مصرف آنها را تعیین خواهد کرد؟ هدف اولیه این گونه مالیات‌ها جلوگیری از گردش آشفته و بحران آفرین سرمایه‌های بین‌المللی است. در مورد مدیریت در آمد حاصل از این گونه مالیات‌ها پژوهشی درخور انجام نشده است. در مورد "مالیات توبین"، در ابتدا، یعنی دو دهه پیش، نظر جیمز توبین انتقال درآمد حاصله از این مالیات به صندوق بین‌المللی پول بوده است. امروزه سازمان‌های غیردولتی مخالف انتقال این مالیات به صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی هستند. پیشنهاد آنها ایجاد یک صندوق بین‌المللی مستقل است. منابع مالی این صندوق غیردولتی خواهد بود و از طریق اخذ مالیات‌های جهانی تأمین خواهد شد. بسیاری از مسائل چون فقر، بهداشت عمومی، آلودگی محیط زیست، مسائل ناشی از جنگ،... را نمی‌توان در سطح ملی جوابگو بود. ایجاد یک صندوق بین‌المللی با منابع مالی مهم، اجازه خواهد داد برای حل مسائلی که ابعاد جهانی دارند از این صندوق هزینه شود. از سوی دیگر، این صندوق منبع مالی دیگری خواهد بود برای برنامه‌های توسعه کشورهای فقیر و کشورهای تازه صنعتی شده.

در کنفرانسی که "انجمن دفاع از مالیات بر معاملات مالی برای کمک به شهروندان" در ابتدای سال ۱۹۹۹ ترتیب داده بود، مدیر این انجمن در جواب به نوع مدیریت منابع مالی حاصله از "مالیات توبین" گفت: "... برای ساختار مدیریت، دو نهاد بدون تعلل کنار گذاشته می‌شوند: صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی. با این همه، راه‌حل‌های متعدد وجود دارد. به طور مثال یک مؤسسه بین‌المللی یا مؤسسه‌های منطقه‌ای با نظارت مردمی و با مشارکت اتحادیه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ..."^{۲۲}

مجهولی که امروز سازمان‌های غیردولتی را به کندوکاو واداشته است، ماهیت سازمان‌هایی است که باید به وجود آیند تا بتوان رفاه اجتماعی، تعادل زیست بومی و ثبات اقتصادی را در جهان به وجود آورد.

منابع:

- ATTAC (Association pour une Taxation des Transactions financières pour L'aide aux Citoyens) _
<http://www.attac.org/>
Economic Policy Institute – <http://www.epint.org/>
Globalization & Human Rights (on Public Broadcasting Service) – <http://www.pbs.org/globalization/>
International Forum on Globalization – <http://www.ifg.org/>
LeMonde Diplomatique – <http://www.monde-diplomatique.fr/>
Third World Network – <http://www.twinside.org.sg/>

یادداشت‌ها

(۱) صندوق بین‌المللی پول International Monetary Fund و بانک جهانی World Bank جهت ایجاد ثبات در اقتصاد جهانی بعد از جنگ بین‌الملل دوم در سال ۱۹۴۴ در کنفرانس برتن وودز Bretton Woods تأسیس شدند. مأموریت IMF کنترل ثبات ارزی کشورها است. این مؤسسه ضامن حفظ قابلیت تبدیل ارز کشورهای عضو به یکدیگر است. کشورهای عضو می‌توانند برای رفع مسائل کوتاه مدت خود در پرداخت‌های خارجی از این مؤسسه وام دریافت کنند.

(۲) صندوق بین‌المللی پول چشم انداز اقتصاد جهانی World Economic Outlook مه ۱۹۹۷

(۳) سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Organization for Economic Cooperation and

Development) در سال ۱۹۶۱ تشکیل شده است و هم اکنون ۲۹ کشور از غنی‌ترین کشورها را دربر می‌گیرد. مرکز

۹۰٪ از شرکت‌های چندملیتی در کشورهای عضو این سازمان واقع شده است.

۴) در ابتدای سال ۱۹۹۵، به دنبال مذاکرات ۹۴-۱۹۹۳ معروف به دور اروگوئه، سازمان تجارت جهانی World Trade Organization جانشین "محل مذاکرات" موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت General Agreement on Tariffs and Trade شد. بیش از ۱۳۰ کشور عضو این سازمان هستند که به تنهایی افزون بر ۹۰٪ تجارت جهانی را در دست دارند. حدود ۳۰ کشور دیگر برای عضویت در این سازمان در حال مذاکره‌اند.

۵) در IMF، حق رأی هر کشور عضو متناسب با سهمیه آن کشور در صندوق است. ۲۹ کشور OECD ۶۰٪ از سهام با ۶۵٪ رأی دارند و از میان آنها آلمان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا که "گروه هفت" G7 را تشکیل می‌دهند با ۴۰/۵٪ از سهام، ۴۶٪ حق رأی را به خود اختصاص می‌دهند.

۶) بیانیه مؤسسه شبکه جهان سوم، Third World Network در گردهمایی سازمان جهانی تجارت که در تاریخ ۱۵ الی ۱۸ مارس ۱۹۹۹ در ژنو برگزار شد.

7) Multilateral Agreement On Investment

۸) در ایالت متحده آمریکا، رئیس جمهور می‌تواند به شیوه "مسیر سریع" Fast track از کنگره آن کشور اجازه امضاء موافقت‌نامه‌های تجاری را بگیرد. در این شیوه نمایندگان نمی‌توانند پیشنهاد و ارائه اصلاحیه بر موافقت‌نامه بدهند و تنها باید مجموع متن را قبول یا رد کنند.

۹) آدرس اینترنت - [http:// www. Citizen. Org/](http://www.Citizen.Org/) : Public Citizen

۱۰) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، دسامبر ۱۹۹۸ - Christian "AMI fut mis en pieces", Comment 1

De Brie

۱۱) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، فوریه ۱۹۹۸ - Le nouveau manifeste du capitalisme mondial,

Lori M. Wallash

۱۲) روزنامه اخبار اقتصاد، شنبه ۲۴ مهر ۱۳۷۸.

۱۳) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، می ۱۹۹۸ - Les aleas de l'internationalisme, Alain Gresh

۱۴) مانند ردیف ۱۰. (لوموند، دسامبر ۱۹۹۸)

15) World Economic Forum in Davos, Switzerland - Interview With Amnesty International Secretary General.

۱۶) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، فوریه ۱۹۹۶ -

La clause sociale un moyen de mondialiser la justice, Bernard Cassen

17) International Forum On Globalization- The economic crisis in East Asia:causes, effects, lessons; Martin Khor.

۱۸) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، اوت ۱۹۹۹ - Vive la taxe Tobin, Bernard Cassen

۱۹) برنامه سازمان ملل برای توسعه (United Nation Development Program) - گزارش جهانی در مورد

توسعه انسانی، ۱۹۹۸

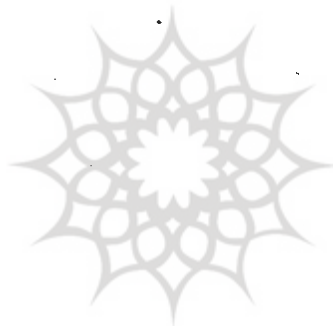
۲۰) ماهنامه لوموند دیپلماتیک، اکتبر ۱۹۹۸ -

Trois taxes globales pour maitriser la speculation Howard M. Wachtel

22) Association pour une Taxation des Transactions financières pour l'Aide aux Citoyens (ATTAC) – Seminaire international, 25 janvier 1999.

مراجعه شود به مقاله "نظارت جامعه مدنی بر مذاکرات سازمان جهانی تجارت" در بخش روزنامه همین شماره.

کتاب و ۱۸۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی